

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۹، شماره ۱، پیاپی ۱۴ (بهار و تابستان ۱۴۰۳) شماره صفحات: ۱۳۹ - ۱۵۹

حالت‌نمایی و نظام حالت در ترکی خلجی رایج در آبادی‌های استان قم

پونه مصطفوی

استادیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی موضوع نشانه‌گذاری حالت و نظام حالت با رویکرد رده‌شناختی در زبان ترکی خلجی می‌پردازد. پیکره پژوهش مستخرج از داده‌های موجود در سامانه اطلس زبانی ایران است که از طریق مصاحبه رو در رو با گویشوران توسط پرسشنامه اطلس گردآوری شده‌اند. در سامانه اطلس یاد شده داده‌های زبانی خلجی از ۱۶ آبادی خلج‌زبان در استان قم در دسترس است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها بر اساس چارچوب نظری پژوهش یعنی چگونگی نشانه‌گذاری حالت در زبان‌ها و رده‌بندی نظام حالت در آن‌ها، نشان می‌دهد که در زبان خلجی حالت‌های دستوری و معنایی با استفاده از پسوندهای حالت و حروف اضافه نشانه‌گذاری می‌شوند. حالت فاعلی در زبان خلجی بدون نشانه است. نشانه‌های حالت در حالت‌های مفعولی (معرفه)، به‌ابری (بهره‌ور) مفعول غیرصریح، مکانی، ازی (مبدأ مکانی) و اضافی (ملکی) به صورت پسوند حالت هستند. اما در حالت همراهی و ابزاری پس‌اضافه وابسته /-lɑ/ و /-læ/ به صورت پی‌بست به گروه اسمی متصل می‌شوند. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش حاکی از این است که نظام حالت در زبان خلجی از رده زبان‌های فاعلی-مفعولی است.

واژه‌های کلیدی:

حالت‌نمایی
زبان خلجی
زبان‌های فاعلی-مفعولی
رده‌شناسی
نظام حالت

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۶ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳

پذیرش: ۷ شهریورماه ۱۴۰۳

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: p.mostafavi@richt.ir

۱. مقدمه

در دسته‌بندی یوهانسون^۱ (۱۹۹۸: ۸۳-۸۲) از زبان‌های ترکی‌تبار، زبان خلجی شاخه مستقلی از این خانواده زبانی را تشکیل می‌دهد. این زبان نماینده زبان‌های ترکی آرگویی^۲ است. از نظر او زبان‌های ترکی‌تبار از نظر ویژگی‌های آوایی، واجی، ساختار و نحوی شباهت‌هایی با هم دارند. البته با این که در طول تاریخ تغییرات

^۱ L. Johanson

^۲ Arghu Turkic

ساختاری قابل توجهی در بسیاری از آن‌ها رخ داده است اما برخی از ویژگی‌های زبانی در کل گروه خانواده زبانی حفظ شده است.

زبان خلجی در مرکز ایران رواج دارد و به اعتقاد یوهانسون (۲۰۲۱: ۱۹) یکی از با ارزش‌ترین منابع برای بررسی زبان ترکی آغازین می‌باشد که تا قرن بیستم ناشناخته بوده است. به اعتقاد دالوند (۱۳۹۸) قوم خلج از اقوام ترک‌تبار هستند که پیش از ورود اسلام به ایران، زمان مغول‌ها در میان تخارستان و سیستان می‌زیستند. در حال حاضر بازماندگان آن‌ها در منطقه خلجستان، در استان‌های قم و مرکزی زندگی می‌کنند. خلجستان در میانه ساوه، قم و اراک، مرکز اصلی طوایف خلج است. در مجاورت روستاهای خلج‌زبان، روستاهایی هستند که در آن‌ها سخنگویان فارسی‌زبان و ترک‌زبان ساکن هستند. بنابراین احتمال این وجود دارد که تماس زبانی بین آن‌ها رخ دهد و این زبان‌ها بر هم تأثیر بگذارند.

دالوند (۱۳۹۸) از دوئرفر^۱ (۱۹۶۸) نقل می‌کند که در اثر همزیستی با فارسی زبان‌ها بسیاری از واژه‌های فارسی وارد زبان خلجی شده است. در این پژوهش به موضوع تأثیرپذیری از زبان فارسی پرداخته نشده است زیرا پرداختن به این موضوع مجال دیگری می‌طلبد. هدف از پژوهش حاضر بررسی چگونگی نشانه‌گذاری حالت‌های دستوری^۲ و معنایی^۳ بر اساس نظر بلیک^۴ (۲۰۰۴) و تعیین رده حالت‌نمایی بر پایه دیدگاه کامری (۱۹۷۸) در خلجی رایج در آبادی‌های استان قم است.

زبان خلجی یکی از ۲۵ زبان در خطر در «اطلس تعاملی زبان‌های در خطر جهان یونسکو»^۵ معرفی شده است. همچنین در وبگاه «پروژه زبان‌های در خطر»^۶ نام خلجی در بین ۵۰ زبان در خطر ایران مشاهده می‌شود. زبان‌شناسان بر این باورند که مطالعه زبان خلجی اهمیت خاصی دارد زیرا در این شاخه زبانی از زبان‌های ترکی‌تبار، مشخصه‌های زبانی و واژگانی از ترکی آغازین باقی مانده است. بنابراین از یک سو در خطر بودن این زبان و از سوی دیگر، ویژگی ذکر شده اخیر از دلایل اهمیت بررسی و تعیین رده این زبان در خطر است. به این علت که با مطالعه ویژگی‌های خلجی تا حدودی ویژگی‌های ترکی قدیم قابل بازیابی است. اهمیت دیگری که بررسی این زبان دارد این است که با این که شباهت‌های زیاد زبانی میان خلجی و سایر گروه‌های زبان‌های ترکی‌تبار وجود دارد، اما به دلیل وجود بقایایی از ویژگی‌های ترکی باستان، این زبان ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. با این حال در این جا نکته مهم دیگر تأثیرپذیری احتمالی این زبان از زبان سایر سخنگویان همجوار با این قوم، به خصوص فارسی و ترکی آذربایجانی، به دلیل تماس زبانی است که همین موضوع باعث تغییر زبانی این زبان می‌شود. بنابراین به دلیل در خطر بودگی این زبان انجام پژوهش حاضر تا حدودی به حفظ آن کمک می‌کند

¹ G. Doerfer

² grammatical case

³ semantic case

⁴ B. J. Blake

⁵ UNESCO Interactive Atlas of the World's Languages in Danger

⁶ Endangered Languages Project

حالت، نظام نشانه‌گذاری اسم‌های وابسته برای نشان دادن رابطه آن‌ها با هسته‌هایشان است (بلیک، ۲۰۰۴: ۱) در زبان‌ها، رابطه مذکور را نشانه‌های حالت نشان می‌دهند. به نظر بلیک (۲۰۰۴: ۱) روابط بین هسته و اسم‌های وابسته به آن، به وسیله نشانه‌گذاری نظام حالت مشخص می‌شود که در دستور سنتی آن را نشانه‌گذاری تصریفی^۱ می‌نامند. پریموس^۲ (۲۰۱۲: ۳۰۵) نیز حالت را همان نشانه‌گذاری بین هسته و وابسته در یک گروه اسمی یا در یک بند تعریف می‌کند. در نظام نشانه‌گذاری تصریفی، نشانه‌های حالت به صورت وندهایی بر روی گروه‌های اسمی قرار می‌گیرند که بسته به جایگاه وندها بر روی گروه‌های اسمی، به صورت پیشوند، پسوند یا میانوند خواهند بود. در برخی زبان‌ها نیز گاهی این نشانه‌ها در پاره‌ای از حالت‌های دستوری تظاهر صفر دارند. حروف اضافه نیز می‌توانند به‌عنوان نشانه‌های حالت در زبان‌ها به‌کار روند، چنین نظامی، نظام نشانه‌گذاری تحلیلی^۳ نامیده می‌شود. بلیک (۲۰۰۴: ۳۱) سپس اشاره می‌کند که می‌توان بین حالت‌های دستوری (نحوی^۴) و معنایی (عینی^۵) تمایز قائل شد. او اضافه می‌کند که حالت‌های دستوری به لحاظ سنتی شامل حالت‌های فاعلی^۶ و مفعولی^۷ در زبان‌های فاعلی-مفعولی^۸ و حالت‌های کنایی^۹ و مطلق^{۱۰}، در زبان‌های کنایی-مطلق^{۱۱} هستند همچنین اغلب حالت‌های اضافی^{۱۲} (ملکی)، به/برای^{۱۳} (بهره‌ور/مفعول غیرصریح)، را هم شامل می‌شوند. بلیک همانجا می‌افزاید که نمی‌توان مرز و خط مشخصی بین دو نوع حالت دستوری و معنایی کشید اما اگر بخواهیم معیاری برای این دسته‌بندی در نظر بگیریم، باید گفت که حالت‌هایی دستوری یا نحوی به طور صرف روابط دستوری و در مقابل حالت‌های معنایی، روابط معنایی را بیان می‌کنند. بنابراین در مورد دو حالت به/برایی و کنایی می‌توان گفت که حالت به/برایی بیان‌کننده مفعول غیرصریح و حالت کنایی بیان‌کننده فاعل فعل گذراست. او همچنین اضافه می‌کند که در این صورت حالت معنایی، روابط معنایی مانند مکان^{۱۴} و منبع^{۱۵} را رمزگذاری می‌کند (بلیک، ۲۰۰۴: ۳۱-۳۲). با این حال باز هم به عدم وجود مرز مشخص برای تمایز دو نوع حالت دستوری و معنایی اشاره می‌کند. اما او در قالب جدولی این طبقه‌بندی از حالت‌ها را نشان می‌دهد که در جدول (۱) به طور خلاصه، نشان داده شده است.

1 inflectional case marking

2 B. Primus

3 analytical case marking

4 syntactic

5 concrete

6 nominative

7 accusative

8 nominative-accusative

9 ergative

10 absolutive

11 ergative-absolutive

12 genitive

13 dative

14 location

15 source

جدول ۱.

حالت‌های دستوری و معنایی (بلیک، ۲۰۰۴: ۳۳)

grammatical	core	nominative
		accusative
semantic	local	ergative
		genitive
		dative
	etc.	locative
		ablative
		allative
etc.	perlative	
	instrumental	
	comitative	

بلیک (۲۰۰۴: ۳۲-۳۳) حالت‌های دستوری فاعلی، مفعولی و کنایی را حالت‌های هسته‌ای^۱ و دو حالت اضافی (ملکی) و به/برایی (بهره‌ور/ مفعول غیر صریح) را حالت‌های حاشیه‌ای^۲ می‌نامد. او همچنین چهار حالت مکانی^۳، ازی^۴ (مبدأ مکانی)، جهت‌نما^۵، مسیر^۶ را جزو گروه حالت‌های نشان دهنده مکان در نظر می‌گیرد که بیان‌کننده مفاهیمی چون مکان، منبع، مقصد و مسیر هستند.

بر اساس رده‌بندی‌هایی که از زبان‌ها با توجه به نظام حالت انجام شده است، زبان‌ها به گروه‌هایی دسته‌بندی می‌شوند که دو گروه عمده آن‌ها زبان‌های فاعلی- مفعولی و کنایی- مطلق هستند. این دو گروه زبانی را به اختصار به ترتیب، مفعولی^۷ و کنایی نیز می‌گویند. به تعریف بات^۸ (۲۰۰۶: ۱۵۸) و پلانک^۹ (۱۹۷۹: ۴)، نظام حالت کنایی الگوی دستوری است که در آن فاعل فعل ناگذر (Si) و مفعول صریح (DO) با نشانه‌های مشابه از فاعل فعل گذرا (St) متمایز می‌شوند و در مقابل نظام حالت مفعولی الگوی دستوری است که در آن فاعل فعل ناگذر و گذرا در مقابل مفعول صریح متمایز می‌شود. بنابراین در زبان‌های کنایی، فاعل فعل ناگذر و مفعول صریح از لحاظ نشانه‌گذاری با هم در یک گروه قرار می‌گیرند و تصریف یکسان دارند و از فاعل فعل گذرا مجزا می‌شوند. حالت دستوری که این دو مقوله می‌گیرند حالت مطلق/ کنایی است. اما در زبان‌های فاعلی- مفعولی، هر دو فاعل فعل گذرا و ناگذر حالت دستوری فاعلی دارند (بات، ۲۰۰۶: ۱۵۹). اما کامری (۱۹۷۸) با تعریف سه اصطلاح فاعل

1 core
2 peripheral
3 locative
4 ablative
5 allative
6 perlative
7 accusative
8 M. Butt
9 F. Plank

فعل ناگذر (S)، فاعل فعل گذرا یا کنشگر^۱ (A) و مفعول صریح یا کنش‌پذیر^۲ (P) و بر اساس تمایز بین آن‌ها، ۵ نظام حالت محتمل را در زبان‌های دنیا معرفی می‌کند. او چهار ردهٔ زبانی را با نام‌های خنثی، فاعلی-مفعولی، کنایی-مطلق و سه بخشی^۳ نام‌گذاری می‌کند. اما برای آخرین ردهٔ زبانی نامی انتخاب نمی‌کند و معتقد است که به نظر می‌رسد زبانی در بین زبان‌های دنیا با این ردهٔ زبانی یافت نمی‌شود (دبیرمقدم، ۱۴۰۲ نقل از کامری، ۱۹۷۸). البته به اعتقاد (میردهقان و یوسفی، ۱۳۹۱) این نظر دارای مثال نقض است. به عنوان مثال نظام حالت در زبان وفسی با توجه به زمان و نمود و همچنین بر اساس دو ویژگی جاننداری و معرفگی به سه صورت فاعلی-مفعولی، کنایی-مطلق و کنایی-مفعولی (به عبارت دیگر نظام سه‌گانه/بخشی) است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

مینورسکی^۴ (۱۹۴۰) اولین بار به مطالعهٔ زبان‌شناختی خلیجی پرداخت. اما موضوع مستقل بودن شاخهٔ زبانی خلیجی را در مطالعات خود در نظر نگرفت. بعد از مینورسکی، مقدم (۱۳۱۸) یافته‌هایی از زبان خلیجی ارائه کرد که حاصل مطالعات زبان‌شناختی او از مناطقی همچون آشتیان و سایر شهرهای جنوبی تهران بود. او در این مناطق به داده‌هایی از یک گونهٔ ناشناخته و متفاوت از ترکی برخورد که بعدها ترکی خلیجی نامیده شد. سپس دوئرفر (۱۹۶۸) مطالعه‌ای بر روی زبان خلیجی انجام داد. او و همکارانش داده‌های زبانی غنی شامل حدود ۶۰ هزار واژه خلیجی تهیه کردند. سپس در پژوهش‌هایی دیگر توانستند دستور (۱۹۹۸) و مجموعه‌ای از متن‌های عامه (۱۹۹۴) را تهیه و گردآوری کنند. یکی از نتایج حاصل از تحقیقات ذکر شده، این بود که زبان خلیجی گروه مستقلی از زبان‌های ترکی‌تبار را تشکیل می‌دهد و به گویش‌های متعددی تقسیم می‌شود که تفاوت‌های قابل توجه با هم ندارند. یوهانسون (۱۹۹۸) نیز که تاریخچه‌ای از زبان‌های ترکی‌تبار را در طول ۱۲۰۰ سال بررسی کرده است، ترکی خلیجی را در شاخه‌ای مستقل در کنار سایر زبان‌های خانوادهٔ زبان‌های ترکی‌تبار قرار می‌دهد. او به موضوع قرص‌گیری از عناصر زبانی از زبان فارسی در زبان‌های ترکی رایج در ایران از جمله خلیجی نیز می‌پردازد. هیئت (۱۳۸۰) در کتاب خود علاوه بر اشاره به محل جغرافیایی سکونت خلیج‌زبانان، به طور مختصر ویژگی‌های شاخص آوایی و ساختاری این زبان و تعلق آن به شاخهٔ مستقلی از زبان‌های ترکی‌تبار را نیز مطرح می‌کند. کرال^۵ (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌های خلیجی که در طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ از منطقهٔ بهارستان در نزدیکی آشتیان گردآوری شده، موضوع وند /-miS/ و ترکیب /ar-miS/ را بررسی کرده و به شرح تفاوت‌های کاربردی وند مذکور در خلیجی و ترکی استانبولی پرداخته است. وی معتقد است که زبان فارسی به عنوان زبان

¹ agent

² patient

³ tripartite

⁴ M. Minorsky

⁵ F. Kiral

رسمی ایران بر زبان خلجی و سایر زبان‌های ترکی تبار تأثیر گذاشته است. حسن‌لی (۱۳۹۰) ترکی رایج در شهرستان خرم‌بید و شهر صفاشهر را بررسی کرده است. برخی بر این باورند که ترکی ساکنان این شهرستان، ترکی خلجی است اما حسن‌لی با ارائه دلایل و شواهد تاریخی و زبان‌شناسی خلاف این نظر را مطرح می‌کند. واشقانی فراهانی (۱۳۹۱) با ارائه مثال‌های زیادی از زبان خلجی، به بررسی این زبان می‌پردازد. او نکاتی درباره ویژگی‌های آوایی، ساختوازی و نحوی خلجی ارائه می‌دهد اما مطالعات وی اصولاً زبان‌شناختی نیست. جمراسی (۱۳۹۲) نیز دستور زبان خلجی را تألیف کرده است. او داده‌های زبانی فراوانی را در کتابش در دسترس خوانندگان قرار می‌دهد و ویژگی‌های زبانی آن را شرح می‌دهد. ابتدا درباره شاخه زبانی خلجی توضیح می‌دهد و همچنین پیشینه مطالعات آن را به طور مختصر بیان می‌کند. بوسنالی^۱ (۲۰۱۶) نکات زیادی از تاریخچه و زبان قوم خلج را در مقاله خود مطرح می‌کند. او در پژوهش خود به موضوع‌های غیرزبان‌شناختی و زبان‌شناختی این قوم می‌پردازد. بوسنالی در حوزه‌های آواشناسی، ساختوازی و نحو توصیف‌های خود را از زبان خلجی ارائه می‌دهد. علاوه بر این او در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی نیز این زبان را بررسی می‌کند. راگانین^۲ (۲۰۲۰) به بررسی زبان خلجی و تأثیر زبان فارسی بر آن و تغییراتی که در این زبان ایجاد کرده است، می‌پردازد. او خلجی را یک زبان ترکی تبار غیراوغوز^۳ معرفی می‌کند. یوهانسون (۲۰۲۱) ویژگی‌های زبانی زبان‌های ترکی تبار و از جمله خلجی را بررسی کرده است. او درباره تاریخچه و تقسیم‌بندی زبان‌های ترکی تبار سخن به میان می‌آورد. فتحی‌پور (۱۳۹۵) پژوهشی کیفی و کمی در مورد دگرگونی‌های گویش خلجی در برخورد با زبان فارسی در اثر مهاجرت خلجی‌ها به تهران، بر روی گویشوران منطقه خلجستان انجام داده است. به اعتقاد او از نظر کیفی برخی آوای خلجی به طور معناداری در گفتار گویشوران گوناگون شبیه فارسی معیار شده‌اند. از نظر کمی نیز در بین عوامل اجتماعی سن مهاجرت بیشترین تعیین‌کنندگی را در این دگرگونی داشته است. او در ادامه راهکارهای جلوگیری از زوال گویش‌ها و زبان‌ها را ارائه می‌دهد.

پژوهشگران و زبان‌شناسان درباره موضوع حالت‌نمایی و نظام حالت در زبان‌ها بررسی‌هایی کرده‌اند. از جمله افرادی چون لی (۱۹۹۶) که در زبان ترکی آذربایجانی نشانه‌های حالت به عنوان پسوندهای حالت در نظر می‌گیرد. به نظر بلیک (۲۰۰۴: ۹) در زبان‌های ترکی پسوندهای تصریفی و حروف اضافه به گروه اسمی، حالت اعطا می‌کنند و به طور خاص اشاره می‌کند که در زبان ترکی استانبولی نوع حالت‌نمایی مانند زبان لاتینی از نوع «تلفیقی^۴» است. یعنی در این زبان هر دو نوع نشانه حالت، یعنی پسوندهای حالت و حروف اضافه استفاده می‌شود. راسخ مهند (۱۳۸۵) به معرفی سه شیوه رایج در زبان‌های مختلف (توالی واژه‌ها، مطابقه و حالت‌دهی)

¹ S. Bosnali

² E. Raggagin

³ non-Oghuz

⁴ synthetic

برای نشان دادن روابط دستوری و سپس به معرفی ویژگی‌های دو نظام مهم حالت‌دهی (فاعلی - مفعولی و کنایی - مطلق) پرداخته است.

گوکسل^۱ و کرسلیک^۲ (۲۰۰۵) نشانه‌های حالت در ترکی استانبولی را پسوند حالت معرفی می‌کنند اما بر این باورند که در مورد حالت‌های ابزاری و همراهی، نشانه‌های حالت به صورت پس‌افزایه‌های (y)IA- و ile هستند که اولی به انتهای گروه اسمی می‌پیوندد و دومی به صورت آزاد است. یعنی هر دو صورت وجود دارند و امکان استفاده از هر یک به طور جداگانه وجود دارد. هر یک به اسم پیش از خود، حالت ابزاری/ همراهی اعطا می‌کنند. یوهانسون (۲۰۲۱: ۵۴۲) اشاره می‌کند که پس‌افزایه‌ها در زبان‌های ترکی تبار به صورت‌های آزاد^۳ و وابسته^۴ دسته‌بندی می‌شوند. از قضا او نیز به همین دو حرف اضافه در ترکی استانبولی اشاره می‌کند. هر یک از آن‌ها می‌توانند در این زبان به کار روند؛ یکی به صورت وابسته به اسم پیش از خود می‌پیوندد و دیگری به صورت آزاد پس از اسم به کار می‌رود. بنابراین هر دو صورت در این زبان کاربرد دارند (یوهانسون، ۲۰۲۱: ۵۴۲). بات (۲۰۰۶) به نظریه‌ها و مباحثی اشاره می‌کند که به حالت‌دهی مربوط هستند. او با نگاهی تاریخی به فارسی باستان به کنایی‌بودن آن اشاره می‌کند. کیپارسکی^۵ (۲۰۰۸) در مورد نظام کنایی و کنایی گسسته در زبان‌ها مطالعه کرده است. او زبان جیربال^۶ را نمونه‌ای از زبان‌های کنایی گسسته معرفی می‌کند. مالچوکوف^۷ و اسپنسر^۸ (۲۰۰۹) در مورد رده‌شناسی نظام‌های حالت در زبان‌ها مطالعه کرده‌اند. به اعتقاد آنان زبان‌ها از نظر نشانه‌گذاری‌های حالت و راهبردهای جایگزین یعنی مطابقه و ترتیب واژه‌ها نیز با هم متفاوت هستند.

پریموس (۲۰۱۲) به رده‌شناسی نشانه‌گذاری حالت و انواع شیوه‌های حالت‌نمایی مانند استفاده از حروف اضافه و وندهای تصریفی اشاره می‌کند. او همچنین انواع نظام‌های حالت در زبان‌ها را با استفاده از مثال‌هایی نشان می‌دهد. پریموس اضافه می‌کند که نشانه‌گذاری حالت بر روی هسته یا وابسته صورت می‌گیرد که به ترتیب این فرایندها را هسته-نشان^۹ و وابسته-نشان^{۱۰} می‌نامد. دبیرمقدم (۲۰۱۲) با جمع‌آوری داده‌هایی از زبان‌های ایرانی از جمله گونه‌های مختلف کردی، تالشی و دوانی و تحلیل آن‌ها بر اساس دیدگاه رده‌شناسی کامری (۱۹۷۸) نشان می‌دهد که همهٔ زبان‌های ایرانی از یک نظام مطابقه به عنوان یک پارامتر رده‌شناختی بهره می‌برند. او (۲۰۱۲) به این نتیجه می‌رسد که زبان‌های ایرانی مورد مطالعه‌اش به استثنای کردی کلهری به دو دسته کلی

¹ A. Göksel

² C. Kerslake

³ free

⁴ bound

⁵ P. Kiparsky

⁶ Dyrbal

⁷ A. Malchukov

⁸ A. Spencer

⁹ head-marking

¹⁰ dependent-marking

فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی-مفعولی تقسیم می‌شوند. زبان‌هایی که در دسته دوم قرار می‌گیرند، در واقع زبان‌هایی هستند که با توجه به زمان فعل، الگوی کنایی-گسسته دارند.

فرهمند اقدم (۱۳۹۱) به بررسی ساخت موضوعی و نحوه واگذاری حالت دستوری به سازه‌های اسمی آن در زبان ترکی پرداخته است. وی پدیده حالت‌بخشی چندگانه را در زبان ترکی اثبات کرده است. نغزگوی کهن (۱۳۹۲) نقش پس‌افزافه‌ها در حالت‌دهی را در تالشی ماسال مورد بررسی قرار داده است. او اعتقاد دارد که در بعضی زبان‌ها، هم‌زمان، از دو راهکار نشانه‌های حالت و حروف اضافه برای نشان دادن روابط دستوری و نقش‌های معنایی استفاده می‌شود. به نظر او این زبان در زمان حال دارای نظام حالت مفعولی و در زمان گذشته، دارای نظام غیرفاعلی دوگانه است. نظام حالت‌نمایی در گونه زبانی دروی (dərav-i) تاتی روستای درو، از توابع شاهرود خلخال را سبزه‌علیپور و ایزدی‌فر (۱۳۹۳) بررسی کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که گونه زبانی مورد مطالعه‌شان نظام حالت‌نمایی دوره‌های پیشین زبان‌های ایرانی را تا حد زیادی حفظ کرده است. نظام حالت در این زبان از نوع کنایی گسسته زمان‌محور است. تفرجی و احمدی (۱۳۹۳) حالت‌نمای زبان ترکی را بررسی کرده‌اند. گونه ترکی مد نظر آن‌ها به صراحت مشخص نیست اما به نظر می‌رسد که منظور آن‌ها ترکی آذربایجانی است. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های زبانی پژوهش نشان می‌دهد که نظام حالت در زمان حال و گذشته، فاعلی-مفعولی است. ساگیدولدا^۱ (۲۰۱۶) نظام تصریف در زبان‌های ترکی و پایانه‌های حالت تصریفی در این زبان‌ها را با توجه به تحولات تاریخی بررسی کرده است. او تعداد حالت‌های دستوری را در برخی از این زبان‌ها شش حالت و در برخی دیگر هفت یا هشت حالت معرفی می‌کند. او با بررسی متون قدیمی از زبان ترکی باستان و همچنین بازسازی پایانه‌های تصریفی حالت در زبان‌های آلتایی به این نتیجه می‌رسد که نظام تصریف از ترکی باستان تا امروز و در ترکی معاصر حفظ شده‌اند.

مختاری و همکاران (۱۴۰۰) مقوله حالت را در چهار زبان ترکی تبار از جمله خلجی بررسی کرده‌اند. آن‌ها تنها به نحوه بیان حالت و مقوله حالت در این زبان‌ها پرداخته و نشانه‌های حالت در این چهار زبان ترکی تبار را توصیف کرده‌اند. حال ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تفاوت مبنای نظری پژوهش حاضر با پژوهشی که آنان انجام داده‌اند، مسلماً چارچوب تحلیل داده‌ها و نتایج حاصل از آن نیز متفاوت است. به عنوان مثال مختاری و همکارانش در پژوهش خود ۶ حالت در ۴ زبان ترکی تبار را توصیف کرده‌اند. اما در پژوهش پیش‌رو ۸ حالت و نشانه‌های آن‌ها به طور خاص در خلجی بررسی شده‌اند و علاوه بر توصیف نشانه‌های حالت، به طور خاص نوع حالت‌نمایی در خلجی بر اساس تقسیم‌بندی بلیک (۲۰۰۴: ۹) نیز مشخص شده که در بخش تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری به نوع آن اشاره خواهد شد. علاوه بر این، رده زبانی خلجی از لحاظ نظام حالت بر اساس رده‌بندی که کامری (۱۹۷۸) برای زبان‌ها بر همین مبنا مطرح کرده، در این پژوهش تعیین شده است.

¹ G. S. Sagidolda

پژوهش‌های دیگری نیز با موضوع حالت‌نمایی و نظام حالت در زبان‌های دیگر صورت گرفته‌اند که در اینجا به دلیل محدودیت‌های حجم مقاله از ذکر آن‌ها صرف نظر شده است.

۳. مبانی نظری

در این بخش به شرح مباحث حالت و حالت‌نمایی و همچنین نظام حالت در زبان‌ها پرداخته می‌شود. برای تحلیل داده‌های پژوهش، اثر بلیک (۲۰۰۴) برای شرح چگونگی نشانه‌گذاری حالت و مطالعات کامری (۱۹۷۸)، برای توضیح انواع رده‌های زبانی نظام حالت در زبان‌ها انتخاب شده‌اند. علاوه بر آن در این بخش به برخی از نتایج پژوهش‌های دیگر نیز اشاره شده است.

حالت، نظام نشانه‌گذاری است که نوع رابطه بین وابسته اسم با هسته را مشخص می‌کند (بلیک، ۲۰۰۴: ۱). رابطه هسته و وابسته تنها به سطح گروه اسمی محدود نمی‌شود. در سطح جمله و بند نیز رابطه اسم با فعل جمله، اسم با حرف اضافه و حرف اضافه با سایر اسم‌ها از طریق حالت دستوری مشخص می‌شود. زبان‌هایی مثل زبان ژاپنی که در آن‌ها حروف اضافه به عنوان نشانه‌های حالت ایفای نقش می‌کنند دارای نشانه‌های تحلیلی هستند. در زبان ژاپنی، روابط دستوری توسط نشانه‌های حالت (پس‌افزافه‌ها^۱) نشان داده می‌شوند. مثال (۱) از زبان ژاپنی را بلیک (۲۰۰۴: ۹) ارائه کرده‌است:

1. Sensi ga Tsaku ni hon o yat-ta
Teacher subj Tasaku io book do give- past

معلم به تاساکو کتابی داد.

در مثال (۱) (ga) فاعل، (ni) مفعول غیرصریح و (o) مفعول صریح را نشان می‌دهند. بر خلاف زبان ژاپنی، در لاتینی آمیزه‌ای از حالت تصریفی و تحلیلی وجود دارد. به این معنی که حروف اضافه به علاوه پسوندهای حالت رابطه بین اسم و فعل را نشان می‌دهند این نوع نشانه‌گذاری را «تلفیقی» می‌نامند (بلیک، ۲۰۰۴: ۹). کرافت^۲ (۲۰۰۳: ۳۳-۳۴) نیز معتقد است رابطه بین هسته و وابسته به وسیله دو نوع نشانه بیان می‌شود. او این نشانه‌ها را تکواژهای رابطه‌ای^۳ نامیده است. برخی از این نشانه‌ها وابسته هستند که به آن‌ها وندهای حالت^۴ گفته می‌شود. نوع دیگر از نشانه‌ها، نشانه‌های آزاد هستند که آن‌ها را حروف اضافه^۵ می‌نامند. سپس اضافه می‌کند که حروف اضافه می‌توانند پیش یا پس‌افزافه باشند. هم‌پوشی نقش نشانه‌های حالت و حروف اضافه در نظام حالت در زبان‌های مختلف می‌تواند دلیل تاریخی داشته باشد (نفرگوی کهن، ۱۳۹۲: ۱۱۵). به اعتقاد آیگسن^۶ (۲۰۰۵) نظام نشانه‌گذاری تصریفی روشی معمول برای بیان رابطه‌های نحوی و معنایی است و در زبان‌هایی که از نشانه‌های

¹ postposition

² W. Croft

³ relational morphemes

⁴ case affixes

⁵ adposition

⁶ O.A. Iggesen

حالت استفاده نمی‌شود، روابط دستوری از طریق ترتیب واژه‌ها یا با به‌کار بردن واژه‌های مستقل مانند حرف اضافه و یا نشانه‌هایی قابل تمایز هستند که بر روی فعل قرار می‌گیرند. او معتقد است که تمایز دقیق بین پس‌افزافه‌ها به عنوان واژه‌های مستقل و واژه‌بسته‌ها و تکواژهای تصریفی کار ساده‌ای نیست. زیرا این عناصر زبانی به لحاظ تاریخی در یک پیوستار دستوری‌شدگی به هم مرتبط هستند (آیگسن، ۲۰۰۵: ۲۰۳).

به نظر بلیک (۲۰۰۴: ۳) حالت‌های دستوری با روابط دستوری متفاوت هستند و الزاماً رابطه یک‌به‌یک بین آن‌ها وجود ندارد. منظور از روابط دستوری همان روابط نحوی در جمله مثل فاعل، مفعول صریح و غیرصریح است که به بیش از یک نقش معنایی مربوط می‌شوند. حالت‌ها ممکن است بر اساس روابط دستوری مانند حالت‌های فاعلی و مفعولی در زبان‌های فاعلی-مفعولی و کنایی و مطلق در زبان‌های کنایی-مطلق اعطا شوند. از سویی دیگر حالت‌هایی هم وجود دارند که ماهیت معنایی دارند مانند حالت‌های اضافی، به‌ای/ برای، مکانی، ازی و غیره. در زبان‌های مختلف دنیا حالت‌های دستوری دیگر نیز وجود دارند که به دلیل محدودیت حجم مقاله از آن‌ها صرف‌نظر می‌شود. به نظر بلیک (۲۰۰۴: ۶۶) مرزبندی دقیق حالت‌ها کار آسانی نیست. به عنوان مثال در جمله شماره ۲ از زبان انگلیسی، ماده‌ای که ظرف از آن ساخته شده است، در زبان‌های مختلف به صورت یکسان بیان نمی‌شود. در برخی از زبان‌ها برای بیان این مفهوم از حالت ازی و در برخی دیگر از حالت ابزاری استفاده می‌شود.

2. She made the bowl from clay.

او کاسه را از گل ساخت.

کروگر^۱ (۲۰۰۵) نیز بین حالت معنایی و حالت دستوری تفاوت قائل شده است. او حالت‌های فاعلی، مفعولی و به‌ای/ برای را از جمله حالت‌های دستوری و حالت‌های اضافی، ابزاری و مکانی را در دسته حالت‌های معنایی قرار می‌دهد. همچنین به تقسیم‌بندی‌های کامری (۱۹۷۸) در مورد نظام حالت در زبان‌ها اشاره می‌کند.

کامری (۱۹۷۸) در مقاله خود که به بحث کنایی^۲ اختصاص دارد، ابتدا به معرفی سه نماد S (حرف اول Subject، موضوع^۳ فعل ناگذرا)، A (حرف اول اصطلاح Agent، عامل)، و P (حرف اول Patient، پذیرا) می‌پردازد. عامل (A) به موضوعی در فعل گذرا گفته می‌شود که در زبان‌های غیرکنایی فاعل محسوب می‌شود. پذیرا (P) موضوع فعل گذراست و مفعول صریح آن فعل در نظر گرفته می‌شود (کامری، ۱۹۷۸: ۳۳۰). کامری با توجه به حالت‌نمای این سه نماد در جمله‌ها، به پنج نظام حالت در زبان‌ها اشاره می‌کند. دیکسون^۴ (۲۰۰۲: ۱۹۹۴: ۶) نیز اصطلاحات S، A و P را به ترتیب به صورت فاعل فعل ناگذر، فاعل فعل گذرا و مفعول فعل

¹ P. L. Kroeger

² ergativity

³ argument

⁴ R.M.W. Dixon

گذرا تعریف می‌کند. او نظام‌های پنج‌گانه کامری را در اثر خود مطرح کرده و آن‌ها را پذیرفته است (ص ۹۱). در زیر نظام‌های پنج‌گانه حالت‌نمایی کامری (۱۹۷۸) نقل از دبیرمقدم (۱۴۰۲) به طور مختصر شرح داده شده‌اند:

۱. نظام حالت‌نمایی خنثی: حالت‌نمای واحدی که ممکن است صفر باشد، برای هر سه جایگاه نحوی به کار می‌رود. مثلاً در جمله‌های زبان انگلیسی این رده را با گروه‌های اسمی (غیر ضمیری) فاعلی و مفعولی می‌توان مشاهده کرد.

۲. نظام حالت‌نمایی فاعلی-مفعولی: در این نظام، فاعل فعل‌های ناگذر (S) و گذرا (A) حالت‌نمای یکسان (حالت فاعلی) دارند و حالت‌نمای P متفاوت از حالت‌نمای فاعلی است و در واقع حالت مفعولی دارد.

۳. نظام حالت‌نمایی کنایی-مطلق: در این نظام، حالت‌نمای فاعل فعل ناگذرا (S) و مفعول فعل گذرا (P) یکسان است (حالت مطلق) و فاعل فعل گذرا (A) حالت‌نمای کنایی دارد که از حالت‌نمای S و P متفاوت است.

۴. نظام حالت‌نمای سه‌بخشی: این نوع نظام حالت‌نما در بین زبان‌ها بسیار به ندرت دیده می‌شود. در این نوع نظام حالت هر کدام از جایگاه‌های نحوی حالت‌نمای متفاوت دارند. به اعتقاد دبیرمقدم (۱۴۰۲) بسیاری از زبان‌های ایرانی متداول در ایران دارای نظام سه‌بخشی هستند. در این گونه زبان‌ها واژه‌بست مطابقه با فاعل فعل گذرا گذشته به مفعول صریح (P) می‌پیوندد. در زبان‌های بلوچی، کردی، لکی و وفسی هم این وضعیت وجود دارد.

۵. در رده آخر که کامری برای آن نامی پیشنهاد نکرده‌است، جایگاه‌های نحوی A و P حالت‌نمای یکسان دارند و S حالت‌نمای متفاوتی دارد. به نظر کامری این نوع نظام حالت در زبان‌های دنیا یافت نمی‌شود اما می‌توان تصور کرد که به صورت منطقی وجود داشته باشد (کامری، ۱۹۷۸: ۳۳۱-۳۳۴).

موضوع دسته‌بندی‌های رده‌شناختی نظام حالت در زبان‌ها مورد توجه برخی از زبان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. از جمله آثاری که به بحث مذکور در کنار بررسی نشانه‌های حالت پرداخته، بلیک (۲۰۰۴) است. او در این اثر خود، تقسیم‌بندی از نظام‌های حالت‌نمایی در زبان‌ها ارائه می‌دهد که اندکی با تقسیم‌بندی‌های ذکر شده متفاوت است. البته باید بار دیگر این نکته نیز یادآور شد که در پژوهش حاضر برای هدف اول، یعنی بخش نشانه‌گذاری حالت، اثر ذکر شده به عنوان چارچوب نظری در نظر گرفته می‌شود اما برای هدف دوم مقاله یعنی بخش تعیین رده زبانی خلیجی از نظر نظام حالت به کامری (۱۹۷۸) استناد می‌شود. بنابراین برای بخش دوم مقاله، تحلیل داده‌ها بر اساس تقسیم‌بندی که بلیک در نظر دارد صورت نگرفته است. اما با این وجود لازم است دسته‌بندی او از زبان‌ها به لحاظ نظام حالت را نیز اشاره کرد.

بلیک (۲۰۰۴: ۱۱۸-۱۲۹) نظام فاعلی-مفعولی را با نظام مفعولی نام‌گذاری می‌کند. به عنوان مثال او به زبان لاتینی اشاره می‌کند. به نظر او زبان‌هایی که در آن‌ها نظام مفعولی خالص به کار رود، نادر هستند. او همچنین به ساز و کارهای مشخص کردن فاعل فعل گذرا و ناگذر در زبان‌های رومیایی^۱ مانند فرانسه و اسپانیایی،

¹ Romance

اسلاوی و بانتو می‌پردازد. نظام دیگری که بلیک به آن اشاره می‌کند نظام کنایی یا همان نظام کنایی-مطلق است. او اعتقاد دارد که این نظام اغلب در بین زبان‌ها کمیاب است، اما در واقع حداقل ۲۰ درصد از زبان‌های دنیا دارای این نظام حالت هستند. نظام دیگری که معرفی می‌کند، نظام فعال^۱ است. در این گونه نظام‌های حالت، بسته به معنای فعل نشانه‌گذاری‌های A و P در فعل‌های یک‌ظرفیتی و دوظرفیتی تفاوت می‌کند. زبان‌هایی نیز وجود دارند که هر دو نظام کنایی و مفعولی را به کار می‌برند، بلیک نام نظام‌های مختلط^۲ را برای آن برمی‌گزیند. به نظر او این گونه زبان‌ها کمیاب هستند. بلیک به نظام حالت‌نمایی دیگری نیز اشاره می‌کند که آن را نظام مستقیم-معکوس^۳ می‌نامد. در این نظام حالت‌نمایی نشانه‌گذاری بر اساس سلسله مراتب با توجه به شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)، صورت می‌گیرد.

۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی بر پایه پژوهش‌های رده‌شناختی مربوط به حالت‌نمایی در اثر بلیک (۲۰۰۴) و مطالعات رده‌شناختی مربوط به نظام حالت در مقاله (۱۹۷۸) کامری انجام شده است. به این منظور ابتدا جمله‌های مرتبط با موضوع پژوهش از داده‌های موجود در سامانه اطلس زبانی ایران استخراج شده‌اند. این اطلس در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در حال تدوین و تکمیل است. طرح تدوین اطلس ملی زبانی ایران از خرداد ماه ۱۳۵۳ به منظور شناسایی گویش‌های ایران، با نمونه‌برداری از تمامی آبادی‌های بالای ده خانوار پراکنده در پهنه کشور ایران آغاز شد. داده‌های موجود در سامانه اطلس زبانی ایران، از طریق پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۰۵ واژه و عبارت و ۳۶ جمله و با مصاحبه رودرو با گویشوران گردآوری شده‌اند. در این طرح از هر نقطه جمعیتی، به ازای هر گونه زبانی متمایز، یک مصاحبه با یک گویشور منتخب انجام و نمونه‌های گردآوری شده نیز توسط متخصصان، آوانویسی می‌شوند. گویشوران مطابق با موازین شیوه‌نامه این اطلس انتخاب شده‌اند که بومی‌زبان، مورد تأیید سایر اعضای جامعه زبانی، در گفتار خود شیوا و بی نقص هستند. همچنین از معیارهای دیگر انتخاب گویشور، بی‌سواد بودن، یک‌زبان بودن، میانسال بودن است. از طرفی هم آزمودنی باید ساکن آبادی باشد و دچار تعصب نباشد. همچنین مسئولیت‌پذیر و توجیه‌پذیر و در ارائه اطلاعات صادق باشد (پرمون، ۱۳۸۵: ۳۱-۲۷ و ۴۹-۵۰). با این توصیف این نکته نیز باید ذکر شود که نگارنده هیچ‌گونه دخالتی در گردآوری داده‌های پژوهش نداشته است و پیکره پژوهش شامل داده‌های از پیش گردآوری شده توسط مصاحبه‌کنندگان طرح مذکور است.

¹ active system

² mixed systems

³ direct-inverse system

این پیکره مشتمل بر ۴۸۰ جمله و از داده‌های اطلس زبانی از زبان خلجی در استان قم تشکیل شده است. در سامانه اطلس مذکور داده‌های خلجی ۱۶ آبادی از آبادی‌های خلج‌زبان استان قم واقع در شهرستان‌های دستجرد و قم موجودند. داده‌های زبانی مورد مطالعه به صورت فایل‌های صوتی در سامانه اطلس، بارگذاری شده‌اند که بخشی به صورت آوانویسی شده با الفبای IPA هستند. اما بخش دیگر برای انجام این پژوهش توسط نگارنده آوانویسی شده و فایل‌های از پیش آوانویسی شده نیز مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. پس از آن تحلیل داده‌های پیکره پژوهش بر اساس چارچوب نظری پژوهش انجام و علاوه بر آن، با تحلیل رده‌شناختی این داده‌های زبانی بر مبنای رده‌های پنج‌گانه کامری (۱۹۷۸) رده زبانی خلجی از لحاظ نظام حالت تعیین شده است.

پژوهش حاضر علاوه بر بخش مقدمه و پیشینه پژوهش، شامل روش پژوهش و بخش‌های مبانی نظری، تحلیل داده‌ها و بحث و نتیجه‌گیری است. هدف از انجام این پژوهش پاسخ به دو سؤال زیر است:

۱. حالت‌نمایی در زبان خلجی به چه صورت است و نشانه‌های حالت بر روی گروه‌های اسمی به چه صورت تظاهر دارند؟ با توجه به یافته‌های بلیک (۲۰۰۴: ۱-۹) شیوه حالت‌نمایی به صورت «تصریفی»، «تحلیلی» یا «تلفیقی» است؟

۲. زبان خلجی بر اساس رده‌بندی زبان‌ها توسط کامری (۱۹۷۸) از لحاظ نظام حالت، در کدام رده زبانی قرار می‌گیرد؟

۴. تحلیل داده‌ها

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، گروه‌های اسمی (اسم یا ضمیر) به دلیل حالت‌های دستوری یا نقش‌های معنایی خود نشانه حالت می‌گیرند. حالت‌های دستوری همان موضوع‌های فعل در جمله‌ها یعنی فاعل، مفعول صریح و غیرصریح هستند که با نشانه‌های حالت در جمله باز نمود می‌شوند. البته همیشه رابطه یک‌به‌یک بین روابط دستوری ذکر شده با حالت‌های دستوری برقرار نیست. حالت‌های معنایی معمولاً برای افزوده‌ها استفاده می‌شود. حالت‌های فاعلی، مفعولی، به‌ای/ برایی و اضافی حالت‌های دستوری و حالت‌های همراهی، ابزاری، ازی و مکانی، حالت‌های معنایی محسوب می‌شوند.

در این بخش با استفاده از داده‌های موجود در سامانه اطلس زبانی ایران از استان قم و تحلیل آن‌ها بر اساس چارچوب‌های نظری پژوهش، ابتدا حالت‌های دستوری زبان خلجی معرفی و پس از آن رده زبانی نظام حالت‌نمایی در این زبان تعیین می‌شود.

۴-۱. حالت‌نمایی در زبان خلجی

حالت‌های دستوری و معنایی در خلجی با تکیه بر داده‌های زبانی موجود در سامانه اطلس زبانی ایران از خلجی رایج در آبادی‌های استان قم، در دو زیربخش مجزا بر پایه مبانی نظری پژوهش بررسی و تحلیل می‌شوند.

مطابق پرسشنامه اطلس مذکور حالت‌های فاعلی، مفعولی، به‌ای/ برایی، همراهی، ابزاری، ازی، مکانی و اضافی، از جمله‌های پرسشنامه برای تحلیل قابل استخراج هستند.

۱-۱-۴. حالت‌های دستوری در زبان خلیجی

در این بخش با استفاده از مثال‌هایی از پیکره پژوهش حالت‌های دستوری در زبان خلیجی به طور مجزا بررسی می‌شوند.

۱-۱-۱-۴. حالت فاعلی

در دو جمله زیر از زبان خلیجی، اسم /hosejn/ (حسین) و ضمیر شخصی /ollAr/ (آن‌ها) حالت و نقش فاعلی دارند. این دو سازه در جمله‌های ۳ و ۴ به صورت زیرخطدار نشان داده شده‌اند. در زبان خلیجی حالت فاعلی هیچ نشانه‌ای ندارد. به این معنی که گروه‌های اسمی در حالت فاعلی بر خلاف سایر حالت‌های دستوری و معنایی در این زبان بدون نشانه هستند. در جدول ۱ ضمائر شخصی فاعلی در خلیجی نشان داده شده‌اند.

3. æn&er hosejn mæ:n-ε on-læ ker-d-ε

۳.م. گذشته-دیدن با-او مفعولی-من حسین دیروز

دیروز حسین مرا با او دید.

4. ollar fa:m je-d-ilær o va:r-d-ular

۳.ج. گذشته-رفتن و ۳.ج. گذشته-خوردن شام آن‌ها

آن‌ها شام خوردند و رفتند.

۲-۱-۱-۴. حالت مفعولی

در مثال‌های ۵ و ۶ پسوند /-ε/ به ترتیب به انتهای گروه اسمی /nahar/ و ضمیر /ollar/ پیوند خورده است. این پسوند در خلیجی، نشانه حالت مفعولی است. این نکته نیز باید یادآوری شود که در زبان خلیجی گروه اسمی معرفه‌ای که حالت مفعولی دارد، دارای نشانه حالت است. گروه اسمی و ضمیری که در جمله‌های زیر دارای حالت مفعولی هستند، به صورت زیرخطدار نشان داده شده‌اند. در این دو جمله نیز مشاهده می‌شود که اسم /æli/ (علی) و ضمیر شخصی /biz/ (ما) که حالت فاعلی دارند، بدون نشانه هستند.

5. æli nahar-ε je-mif o if-lijor

۳.م. حال-کار کردن و ۳.م. حال کامل-خوردن مفعولی-ناهار علی

علی ناهارش را خورده است و دارد کار می‌کند.

6. biz taq ollar-ε ker-mæ-miz

۱.ج. نفی-دیدن مفعولی-آن‌ها دیگر ما

ما دیگر آن‌ها را نمی‌بینیم.

۳-۱-۱-۴. حالت به/ برایی (بهره‌ور/مفعول غیر صریح)

در دو مثال (۷) و (۸) گروه اسمی /ʃæ:r-kæ/ (به شهر) و ضمیر شخصی /biz-kæ/ (به ما) به ترتیب در جمله‌ها ۷ و ۸ دارای حالت به/ برایی (بهره‌ور/مفعول غیر صریح) هستند که به صورت زیرخطدار در جمله‌ها نشان داده شده‌اند. پسوند حالت به/ برایی (بهره‌ور/مفعول غیر صریح) در خلیجی -kæ است.

در داده‌های زبانی پیکره پژوهش، جمله‌هایی مشاهده شدند که در آن‌ها گویشوران به جای پسوند *-kæ* برای حالت به/برایی (بهره‌ور/مفعول غیرصریح) پسوند *-a* یا *-æ* (بسته به بافت آوایی اسم میزبان) را به کار برده‌اند. به عنوان نمونه در جمله شماره ۹ این نشانه در اسم */baluq-a/* (به ده) به کار رفته است. به اعتقاد یوهانسون (۲۰۲۱: ۴۶۴) زبان خلجی پسوند *-kæ* را از زبان ترکی قدیم حفظ کرده است. عده‌ای از گویشوران خلجی تحت تأثیر ترکی آذربایجانی از نشانه *-a* یا *-æ* با توجه به بافت آوایی اسم میزبان استفاده کرده‌اند. بنابراین هر دو صورت پسوند در این زبان به کار می‌رود. اما در پیکره پژوهش بسامد کاربرد پسوند دوم زیاد نیست.

7. *sæn bejin var-en fæ:r-kæ ja sæbaʒ*

تو امروز به‌ای/ برای-شهر م. حال-رفتن امروز تو فردا یا

تو امروز به شهر می‌روی یا فردا؟

8. *Q&Qr ollAr dQdQ-lQr-lQ kQl-d-ilQr biz-kQ xQbQr ver-in*

اگر امری-دادن خیر به‌ای/ برای-ما ۳. گذشته-آمدن با-جمع-پدر آن‌ها اگر

اگر آن‌ها با پدرشان آمدند به ما خبر بدهید.

9. *ollar bi hæftæ dæxæ biz-im baluq-a kæl-lær*

۳. حال-آمدن به‌ای/ برای-ده ۱. مالکیت دیگر هفته یک آن‌ها

آن‌ها یک هفته دیگر به ده ما می‌آیند.

۴-۱-۱-۴. حالت اضافی (ملکی)

در زبان خلجی *-u(n)* پسوند حالت اضافی (ملکی) است که بر روی «مالک» قرار می‌گیرد. در مثال

۱۰ اسم (*hæsæn-u*) دارای حالت اضافی (ملکی) است.

10. *ollar æn&er hæsaen-u oblon-u ker-mæ-d-elær*

۳. گذشته-نفی-دیدن ۳. ملکی-پسر اضافی-حسن دیروز آن‌ها

آن‌ها دیروز پسر حسن را ندیدند.

۴-۱-۲. حالت‌های معنایی در زبان خلجی

در این بخش حالت‌های معنایی در زبان خلجی با تکیه بر مثال‌هایی از این زبان بررسی می‌شوند. حالت‌های معنایی که از پرسشنامه اطلس زبانی ایران برای زبان خلجی استخراج شده‌اند، شامل حالت‌های همراهی، ابزاری، ازی و مکانی هستند.

۴-۱-۲-۱. حالت همراهی

در بخش پیشینه پژوهش به این موضوع اشاره شده که نشانه حالت‌های همراهی و ابزاری در زبان‌های ترکی تبار، از جمله خلجی، پس‌افزای است که به صورت پی‌بست به گروه اسمی متصل می‌شود. در خلجی پس‌افزای *-læ* یا *-la* بسته به بافت آوایی اسمی که به آن می‌پیوندد، برای نشان دادن حالت همراهی به کار می‌رود. در مثال ۱۱ پس‌افزای *-læ* به اسم */mæmmæd/* (محمد) متصل است. همچنین پس‌افزای *-la* را در

انتهای گروه اسمی /lala-m/ (برادرم) در مثال ۱۲ مشاهده می‌کنیم. این نشانه، حرف اضافه‌ای است که به صورت پی‌بست به کار می‌رود (ر.ک. بخش ۲، ۲). این که نشانه حالت‌های همراهی و ابزاری در زبان‌های ترکی‌تبار پس‌اضافه وابسته محسوب می‌شوند را یوهانسون (۲۰۲۱: ۵۴۲-۵۴۳) نیز اشاره می‌کند. او معتقد است که در این زبان‌ها، برخی از پس‌اضافه‌ها به صورت پی‌بست به گروه اسمی می‌پیوندند. همچنین اضافه می‌کند در این خانواده زبانی حروف اضافه ممکن است دو صورت آزاد و وابسته را به طور همزمان به کار ببرند مانند /-la/ و /-læ/ در خلجی که صورت مستقل آن /bilæ/ است. اسم‌های دارای حالت همراهی به صورت زیرخطدار نمایش داده شده‌اند.

11. mæn tæk kæl-mæ-m mæmmæd-læ kæl-im
 م۱. حال-آمدن همراهی-محمد م۱. نفی-آمدن تنها من

من تنها نمی‌آیم با محمد می‌آیم.

12. mæn fam-ε lala-m-la je-d-im
 م۱. گذشته-خوردن همراهی-ملکی-برادر مفعولی-شام من

من شامم را با برادرم خوردم.

۴-۲-۲. حالت ابزاری

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مطابق آنچه در بخش ۵. ۱. ۲. ۱ اشاره شد، در خلجی پس‌اضافه -la یا -læ (با توجه به بافت آوایی اسم میزبان) برای حالت ابزاری هم به کار می‌روند. در مثال ۱۳ /maʃin-la/ (با ماشین) دارای نشانه حالت ابزاری است.

13. biz maʃin-la baluq-kæ kæl-d-ik æmma
 ما ا.ج. گذشته-آمدن به‌ای/ برای-ده ابزاری-ماشین اما

hosejn kæl-mæ-d-i
 م۳. گذشته-نفی-آمدن حسین

ما با ماشین به ده آمدیم اما حسین نیامد.

۴-۲-۳. حالت ازی (مبدأ مکانی)

تحلیل داده‌های زبانی پیکره پژوهش حاکی از آن است که نشانه -dæ به عنوان نشانه حالت ازی (مبدأ مکانی) در خلجی به کار می‌رود. در مثال (۱۴) /ʃæ:r-dæ/ (از شهر) دارای این نشانه حالت است. اما در برخی از مثال‌ها تحت تأثیر ترکی آذربایجانی نشانه -dæn نیز برای این حالت مشاهده شده است. نمونه آن در جمله شماره (۱۵) در انتهای اسم /hæv/ (خانه) مشاهده می‌شود.

14. ʃæmbæ kini-ti ki mæn ʃæ:r-dæ kæl-d-im
 روز شنبه بود که من از شهر آمدن م۳. گذشته-اسنادی-روز شنبه

روز شنبه بود که من از شهر آمدم.

15. mæn ta:ze hæv-dæn katiʃe jet-miʃ-d-im ki sæn dæ jæl-d-ε
 م۳. گذشته-آمدن هم تو که م۱. گذشته-کامل-رفتن بیرون ازی-خانه تازه من

من تازه از خانه بیرون رفته بودم که تو رسیدی.

۴-۲-۱-۴. حالت مکانی

پسوند حالت مکانی در زبان خلجی $-tʃæ$ یا $-tʃa$ (بسته به بافت آوایی اسم میزبان) است. این نشانه را در مثال (۱۵) بر روی اسم /hQv/ (خانه) و در مثال (۱۷) بر روی اسم /bAq/ (باغ) مشاهده می‌کنیم. پسوند حالت مکانی در ترکی آذربایجانی، $-da$ یا $-dæ$ (بسته به بافت آوایی اسم میزبان) است. در معدودی از داده‌های پیکره پژوهش این پسوندها تحت تأثیر ترکی آذربایجانی برای حالت مکانی مشاهده شدند که نمونه آن در مثال (۱۸) نشان داده شده است.

16. biz on-ε ez hæv-i-tʃæ ker-d-ik

ا.ج. گذشته-دیدن مکانی-اضافی-خانه خودش مفعولی-او ما

ما او را در خانه خودش دیدیم.

17. mæn kin-dæ ollar-ε baq-tʃa ke:r-um ki iʃ-lijollar

۳.ج. حال-کارکردن که ا.م. حال-دیدن مکانی-باغ مفعولی-آن‌ها هر روز من

من آن‌ها را هر روز در باغ می‌بینم که دارند کار می‌کنند.

18. mæn kin-dæ ollar-ε ke:r-um baq-da ki iʃ-lijollar

۳.ج. حال-کارکردن که مکانی-باغ ا.م. حال-دیدن مفعولی-آن‌ها هر روز من

من آن‌ها را هر روز در باغ می‌بینم که دارند کار می‌کنند.

در نهایت برای جمع‌بندی موضوع حالت‌نمایی، از تحلیل داده‌ها چنین برمی‌آید که بر اساس تقسیم‌بندی بلیک (۲۰۰۴)، در خلجی نشانه‌گذاری حالت از نوع «تلفیقی» است. زیرا از دو نوع نشانه حالت یعنی پسوند حالت و حرف اضافه به کار گرفته می‌شود. به این معنی که نشانه‌های حالت در حالت‌های مفعولی، به‌ای/برایی (بهره‌ور/مفعول غیرصریح)، مکانی، ازی (مبدأ مکان) و اضافی (ملکی) به صورت پسوند هستند و در مورد حالت‌های همراهی و ابزاری پس‌اضافه وابسته $-læ$ / یا $-la$ به صورت واژه‌بست به گروه اسمی متصل می‌شوند. حالت فاعلی در این زبان بدون نشانه است.

۴-۲. نظام حالت در خلجی

در این بخش بر اساس تحلیل داده‌های پیکره پژوهش، نظام حالت زبان خلجی نشان داده می‌شود. همان‌گونه که از مثال‌های فوق از زبان خلجی برمی‌آید، در هر دو زمان حال و گذشته، فاعل فعل گذرا و ناگذرا نشانه صفر دارد. در حالی که نشانه مفعول فعل گذرا در دو زمان حال و گذشته نشانه $-ε$ است. برای نمونه /hosejn/ در جمله (۳) و /ollar/ در مثال (۴) به ترتیب در بندهای دارای فعل گذرا و ناگذرای گذشته حالت فاعلی دارند که بدون نشانه هستند. در جمله (۷) که دارای فعل ناگذرای زمان حال است، ضمیر /sæn/ حالت دستوری فاعلی دارد که بی‌نشانه است. همچنین ضمیر /biz/ در جمله (۶) فاعل فعل گذرای حال است که حالت فاعلی دارد و بدون نشانه است. نکته قابل توجه این است که در زبان خلجی صورت‌های ضمائر شخصی فاعلی و

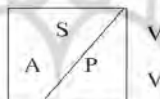
مفعولی مشابه و یکسان هستند. با این تفاوت که در حالت فاعلی بدون نشانه به کار می‌روند و در حالت مفعولی نشانه (-ε) دارند. جدول زیر با اندکی تغییر در شکل ظاهری در آن برگرفته از جمراسی (۲۰۱۴: ۱۹) ضمائر زبان خلجی را نشان می‌دهد.

جدول ۲.

ضمائر شخصی در خلجی

شمار	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	mæn	sæn	o
جمع	biz	siz	ollar

شاهد این نکته را در نمونه /mæ:n-ε/ در جمله (۳) مشاهده می‌کنیم که دارای فعل گذراست. این ضمیر حالت مفعولی دارد زیرا نشانه -ε در انتهای ضمیر /mæ:n/ ملاحظه می‌شود. همچنین در مثال (۱۲) ضمیر فاعلی اول شخص جمع (biz) با حالت فاعلی در جمله به کار رفته است که نشانه صفر دارد. اما این ضمیر، در جمله (۸) با نشانه حالت به‌ای/ برای مشاهده می‌شود (biz-kæ). با مقایسه این دو ضمیر ملاحظه می‌شود که ضمائر به تنهایی صورت مشابه دارند. این مورد در مثال‌های دیگر هم قابل مشاهده است. با بررسی تحلیل داده‌های فوق و مشاهده دقیق نمونه‌های ارائه شده از خلجی رایج در آبادی‌های خلج‌زبان استان قم درمی‌یابیم که نظام حالت و حالت‌نمایی در این زبان، در زمان حال و گذشته از نوع رده فاعلی-مفعولی است و الگوی آن را بر اساس الگوهای ارائه شده توسط کامری (۱۹۷۸) در دبیرمقدم (۱۴۰۲: ۵۴) می‌توان به صورت زیر نمایش داد:



تصویر ۱. الگوی حالت‌نمایی فاعلی-مفعولی در زبان خلجی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر برای بررسی چگونگی حالت‌نمایی و تعیین نظام حالت در زبان خلجی از داده‌های زبانی موجود در گنجینه داده‌های اطلس زبانی ایران از استان قم استفاده شده است. مطابق پژوهش‌هایی که بلیک (۲۰۰۴) در مورد حالت در زبان‌ها انجام داده است، گروه‌های اسمی (اسم یا ضمیر) برای نشان دادن حالت‌های دستوری یا معنایی نشانه حالت می‌گیرند.

از پرسشنامه اطلس زبانی ایران، جمعاً ۸ حالت، شامل ۴ حالت دستوری (فاعلی، مفعولی، به/برایی (بهره‌ور/ مفعول غیرصریح) و اضافی (ملکی)) و ۴ حالت معنایی (همراهی، ابزاری، ازی (مبدأ مکانی) و مکانی قابل استخراج

است. بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در زبان خلجی رایج در آبادی‌های خلج‌زبان استان قم، برای حالت فاعلی نشانه‌ای وجود ندارد (نشانه صفر). اما حالت‌های دیگر دارای نشانه هستند. نشانه‌ها در حالت‌های مفعولی (-ε)، به‌ابری (بهره‌ور/مفعول غیرصریح) (-kæ)، ازی (مبدأ مکانی) (-dæ)، مکانی (fjæ - یا fjɑ - بسته به بافت آوایی اسم میزبان) و اضافی (-u(n)) به صورت پسوند به انتهای اسم می‌پیوندند. در مورد حالت همراهی و ابزاری که نشانه مشابه دارند، نشانه حالت به صورت پس‌افزافه و ابسته (-læ یا -la) و به شکل پی‌بست است. بنابراین با توجه به بررسی و تحلیل داده‌ها و بر مبنای چارچوب نظری پژوهش، نشانه‌گذاری حالت در زبان خلجی از نوع «تلفیقی» است یعنی دو نشانه حرف اضافه و پسوند به صورت توأمان برای حالت‌نمایی به کار می‌روند. در مورد نظام حالت، تحلیل داده‌های پیکره پژوهش نشان می‌دهد که در زبان خلجی نشانه حالت فاعلی در بندهای دارای فعل گذرا و ناگذر در هر دو زمان حال و گذشته مشابه (نشانه صفر) و با نشانه مفعول در بندهای دارای فعل گذرا در هر دو زمان متفاوت است، بنابراین نظام حالت در این زبان در هر دو زمان حال و گذشته از رده فاعلی-مفعولی است.

فهرست منابع

- پرمون، یداله (۱۳۸۵). طرح ملی اطلس زبانی ایران، کتابچه جامع تدوین اطلس (مستندسازی، پایگاه داده‌ها، نقشه). تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- تفرجی یگانه، مریم و فاطمه احمدی (۱۳۹۳). حالت‌نمای زبان ترکی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی تحقیقات کاربردی در مطالعات زبان انگلیسی. ۵۸-۶۳.
- جمراسی، علی اصغر (۱۳۹۲). خلج تیلی گرامری آشنایی با دستور زبان خلجی. https://docs.google.com/viewerng/viewer?url=http://turuz.com/storage/Language/2014/07_99_Dil_Xelec_Tili_Grameri_Ali_Asgher_Cemrasi_Fars_Ebced_Urmu_Turuz_2014.pdf
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۹۰). بازشناسی پیوند صفاشهری‌ها با خلج‌ها و قشقای‌ها، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. (۱)۱. ۱۱۹-۱۴۲.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۸). خلج، دایره المعارف بزرگ اسلامی. جلد ۲۲. مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۴۰۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. (ویراست ۲: با اصلاحات و اضافات)، تهران: سمت.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۵). شیوه نشان دادن فاعل و مفعول در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی. ۲۱ (۱-۲) (پیاپی ۴۲). ۸۵-۹۶.
- سبزلعی‌پور، جهان دوست و راحله ایزدی‌فر (۱۳۹۳). «نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال»، جستارهای زبانی. ۴ (پیاپی ۲۰). ۱۰۳-۱۲۳.
- فتاحی‌پور، مجید (۱۳۹۵). دگرگونی گویش خلجی در برخورد با فارسی تهرانی. نشریه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. (۲)۶. ۵۷-۷۶.
- فرهمند اقدم، درنا (۱۳۹۱). ساخت موضوعی و نحوه واگذاری حالت دستوری در جمله‌های خبری زبان ترکی آذری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند.

- مختاری، تارا، سمائی، سید مهدی و بهرام مدرسی (۱۴۰۰). پژوهش رده‌شناسانه مقوله حالت در چهار گونه زبانی ترکی (آذری، خلجی، آناولیایی و ازبکی). *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*. ۵ (۱ پیاپی ۱۷). ۴۵-۵۶.
- مقدم، محمد (۱۳۱۸). گویش‌های وفس و آشتیان و تفرش. *ضمیمه ایران‌کوده*. ۱۱. تهران. ۱-۱۳۸.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد (۱۳۹۲). نقش پس‌افزافه‌ها در اعطای حالت (مطالعه‌ای موردی در گویش تالشی). *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. ۳ (۳). ۱۱۱-۱۳۲.
- میردهقان، مهین‌ناز و سعیدرضا یوسفی (۱۳۹۱). حالت و حالت‌نمایی در وفسی. *زبان‌شناخت (نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)*. ۳ (۵). ۸۵-۱۰۵.
- واشقانی فراهانی، عبدالله (۱۳۹۱). *مبانی دستور زبان خلجی*. تهران: وانی.
- هیئت، جواد (۱۳۸۰). *سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی*. چاپ سوم. تهران: نشر پیکان.
- Blake, J. B. (2004). *Case*. Cambridge University Press.
- Bosnali, S. (2016). The Khalaj people and their language. *Endangered Turkic Languages II A: Case Studies, Volume 2*, Ed. Süer Eker and Ülkü Çelik Şavk. International Turkish-Kazakh University.
- Butt, M. (2006). *Theories of case*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Comrie, B. (1978). Ergativity. In W. P. Lehmann (ed.). *Syntactic typology*, 329-94. Sussex: Harvester Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and universals*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dixon, R. M. W. (2002 [1994]). *Ergativity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Doerfer, G. (1968). Das Chaladsch—eine archaische Türkische Sprache in Zentralpersien. *ZDMG* 118/1. 79-112.
- Doerfer, G. (1971). *Kalaj Materials*. with collaboration of Wolfram Hesch. Hatwig Scheinhardt and Semih Tezcan. Edited by Jhon, R. Krueger. Uralic and Altaic Series. Vol 115. Indiana University Publications.
- Doerfer, G. and Tezcan, S. (1994) Folklore-Texte der Chaladsch [Folklore texts in Khalaj], *Turcologica* 19, Wiesbaden: Harrassowitz.
- Doerfer, G. (1998). Turkic languages of Iran. L. Johanson & Csató, É. Á. (Ed.) in: *The Turkic languages*. 273-282. London and New York: Routledge.
- Göksel, A. and C. Kerslake (2005). *Turkish: A comprehensive grammar*. London and New York: Routledge.
- Iggesen, O.A. (2005). Number of cases. *The World Atlas of Language Structures*. Edited by: M. Haspelmath and M.S. Drayer and d. Gil and B. pp.202-205. Comrie. Oxford: Oxford University Press.
- Johanson, L. (1998). The history of Turkic. *The Turkic languages*. Ed. Lars Johanson and Éva Á.Csató. 81-125. London and New York: Routledge.
- Johanson, L. (2021). *Turkic*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kiparsky, P. (2008). Universals constrain change; Change results in typological generalizations. *Linguistic Universals and Language Change*. 23-53. Edited by Jeff Good.
- Kıral, F. (2000). Reflections on -miş in Khalaj. In *Evidential: Turkic, Iranian and Neighbouring Languages (Empirical Approaches to Language Typology 24)*, ed. Lars Johanson and Bo Utaş. 89-102. The Hague: de Gruyter.
- Kroeger, P. R. (2005). *Analyzing grammar; An introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lee, S. N. (1996). *A grammar of Iranian Azerbaijani*. Ph.D. Thesis. University of Sussex.

- Malchukov, A. and A. Spencer (2009). Typology of case systems parameters of variation. *The Oxford Handbook of Case*. 651-667. Edited by Andrej Malchukov and Andrew Spencer.
- Minorsky, V. (1940). The turkish dialect of Khalaj. *Bulletin of the School of Oriental Studies*, University of London. 10 (2) (1940), pp. 417-437. Cambridge: Cambridge University Press
- Plank, F. (1979). Ergativity, syntactic typology and universal grammar: Some past and present viewpoints. In *Ergativity: Towards a theory of grammatical relations*, ed. Frans Plank. 3-36. New York: Academic Press.
- Primus, B. (2011). Case-marking Typology. In *The Oxford Handbook of Linguistic Typology*. Oxford Handbooks Online. pp. 303-318. Edited by Jae Jung Song.
- Ragagnin, E. (2020). Major and minor Turkic language Islands in Iran with a special focus on Khalaj. *Iranian Studies*.
- Sagidolda, Gulgaysha S. (2016). Declension system of the Turkic languages: Historical development of case endings. the Russian Federation *Bulletin of the Kalmyk Institute for Humanities* of the Russian Academy of Sciences, 23(1). 166-173.

